



مستخرج از نامهٔ باریبه دومینار به آقای رنو، وابستهٔ سفارت فرانسه در ایران*

ترجمهٔ احمد سمیعی (گیلانی)

تهران، ۱۰ فوریه ۱۸۵۶

سرورگرامی

... سیر انحطاطی پرشتابی که متجاوز از یک قرن باز ایران را به سوی اضمحلال
اجتناب ناپذیر قریب الوقعی سوق می دهد برای ادبیات کمتر از شعب دیگر تمدن کهن سال
آن کشور فلاکت بار نیست. به محض ورود به بوشهر این واقعیت ناگوار بر من مسلم گشت و
هر آنچه بر سر راه خود دیدم مؤید سرخوردگی هایم شد. من با دلی سرشار از خیال های
خام به خاک ایران پا نهاده بودم؛ با مشاهدهٔ این سرزمین به تعبیری بکر و نا آشنا برای
اروپائیان، امید بسته بودم که بتوانم، با جستجوی مجدانه، اگر هم برای عصر پیش از اسلام
نباشد، دست کم برای سلسله های متعدد اسلامی که بر سر این کشور تیزه بخت با یکدیگر
نزاع داشتند، مدارک گران بهای چندی بیابم و در همان شهر اصفهان بود که به خطای خود

* این مقاله به زبان فرانسه با عنوان

"Extrait d'une lettre adressée à M. Reinaud, par M. Barbier de Meynard, attaché à la Légation de France en Perse"

در شمارهٔ فوریه - مارس ۱۸۵۶ مجلهٔ *Journal asiatique* (pp. 267-271) منتشر شده است.

پی بردم. عناوین چند اثر شرقی، که در اروپا توان گفتم معروف عام بود، هیچ‌گاه به گوش ملایان پُر وزن و اعتباری که امیدوار بودم یار من باشند نخورده بود. کهنه‌پرستی با جهل آنان همدست گشته بود تا مرا از راهی که در پیش گرفته بودم منصرف سازند و من پایتخت قدیم ایران را با این باورِ دردناک ترک گفتم که گنج‌های نهفته در مساجد و مدارس و اندرونی‌های میرزایانی بی خیال و بی‌علاقه، در اثر اهمال و غفلت، همچنان مدفون خواهند ماند تا روزی که همسایه‌ای پر قدرت سررسد و از این غنایم کتابخانه‌های خود را که، زین‌پیش، با کشورگشایی پروار شده بود پرمایه‌تر سازد. تا آن روز، موریانه و آتش و افغان‌ها فرصت خواهند داشت که خسارات بسیاری به بار آورند. به لطف حاکم اصفهان، اطلاعاتی کسب کردم که، بر اساس آنها، از وجود متونی چند از کهن‌ترین آثار عصر اسلامی در فارس و یزد و حتی در بلوچستان اطمینان یافتیم. میرزایی از دوستان من اسامی ابویحیی و جاحظ و ابن قتیبه را در فهرست کتاب‌هایی که از کاخ شاهان صفوی به اوقاف اصفهان منتقل شده بودند دیده است. از این خبر چنین برمی‌آید که آثار ادبی قرن‌های دوم و سوم هجری هنوز به حالت پنهان در جنوب ایران وجود دارند؛ اما تهیهٔ اصل یا سواد آنها ممنوع است. مع الوصف، در اینجا تومان (سکهٔ طلا به ارزش نزدیک به ۱۲ فرانک) معجز می‌کند و تنها پیشداوری‌های شیعی دربارهٔ بیگانگان است که حریف جاذبه و افسون پیشکش تواند شد. این را هم بگویم که، چند سال پیش، متفنی، بیشتر قدرتمند تا مطلع، در جستجوهای خود، همهٔ امکانات دیپلماسی را به کار انداخت و با دسیسه‌ها و تطمیع‌های مختصر و، به وقت حاجت، با تحکم توانست کتابخانه‌های زان‌پیش بی‌سرو سامان تهران را از آنچه بود فقیرتر سازد. بدگمانی من بیشتر شد و همّت و حمیت سلف من به جستجوهای من زبان بسیار رساند. انصاف نیست اگر بگویم که ایرانیان قرن بیستم همه ذوق ادبی خود را، همچون بسیاری از چیزهای گران‌قدر دیگر، از دست داده‌اند. عام و خاص اشعار سعدی، حافظ، ملای روم، نظامی، و در ردهٔ نخست، فردوسی را هنوز می‌خوانند و با آب و تاب باز می‌گویند. علاوه بر ملک الشعراء، همواره شاهنامه‌خوانی در التزام رکاب شاه است که نفیس پرتوان او به شگفت‌کاری‌های رستم محبوبیت دیگری می‌بخشد. از اینها گذشته، مطایع چاپ‌سنگی تهران و تبریز هم اکنون چندین چاپ از این آثار ادبی بیرون داده‌اند. در آغاز این قرن، سفیر ایران، در لندن، دستگاه چاپی با مقدار درخور توجّهی حروف مطبعی نستعلیق خرید و

به تبریز فرستاد که، به فرمان شاهزاده عباس میرزا، حدود سی اثر از محبوب‌ترین شاعران و هم‌متون دینی مشهور با آن به چاپ رسید. از آن روزباز، از مطبعه‌های تبریز به ندرت نالهٔ دستگاه چاپ به گوش رسید. در ایام سلطنت محمد شاه، فن چاپ سنگی به تهران وارد شد؛ اما فنون، در دست ایرانیان، دیری نمی‌گذرد که اُفت می‌کنند و کتاب‌هایی که در تهران به طبع رسیده، مگر در موارد انگشت‌شمار، چنان‌که شاید و باید نه روشن‌اند و نه درست و بی‌غلط. در آغاز، هیئتی از دانشمندان، پیش از چاپ متن، زمانی دراز در آن کار می‌کرد و به مقابلهٔ نسخه‌های آن و ذکر نسخه‌بدل‌ها می‌پرداخت. اما این کار تشویق نشد و متوقف گردید و کار چاپ کتاب‌ها به امان خدا رهاگشت. به هر حال، شمار آثار چاپ سنگی شده در تهران در زبان فارسی به هشتاد و در زبان عربی به پنجاه می‌رسد. البته، در این فهرست، متون کلامی و دینی، مناقشات شیعی، یا قصه و افسانه غلبه دارند. با این همه، روضة الصفا، حبيب السیر، خمسة نظامی، کلیات سعدی، زینة المؤمنین و چند کتاب دیگر از حیث نفاس طبع و سودمندی درخور سفارش‌اند. بهای کتب چاپی نسبتاً بالاست. همین کتاب‌ها در چاپ بمبئی بسی بهتر و ارزان‌ترند. بدبختانه این چاپ‌ها توان‌گفت در تهران نایاب‌اند.

هزینهٔ چاپ آثار می‌رخوند و خوندمیر را خود دولت عهده‌دار شد و یکی از دانشمندان دارالعلم سلطنتی^۱ دنبالهٔ این دو کتاب تاریخ را تا روزگار ما می‌نویسد و اثرش حاوی اطلاعات تفصیلی پرارزشی دربارهٔ عشایر شمال و مشرق ایران است.

اکنون باید فهرست نسخه‌های خطی را که توانسته‌ام، البته با مشکلاتی از هر نوع، به دست آورم به شما تقدیم بدارم.

از میان حدود سی اثری که مجموعهٔ این نسخ را پدید می‌آورند، ذیلاً آنهایی را که درخور توجه کتاب‌دوستان است ذکر می‌کنم:

۱. جلد اول جامع التواریخ رشیدالدین فضل‌الله؛

۲. جهانگشای جوینی؛

۳. تاریخ اکبری یا تاریخ اکبرشاه سرشار از اطلاعات جالب توجه دربارهٔ هند؛

(۱) مراد دارالفنون است و اشاره به رضاقلی‌خان هدایت (۱۲۱۵-۱۲۸۸ق) مؤلف روضة الصفا ناصری در سه مجلد در تاریخ صفویه و افشاریه و زندیه و قاجاریه که روضة الصفا می‌رخوند با آن هم به طبع رسیده است. وی در زمان ناصرالدین شاه رئیس مدرسهٔ دارالفنون نیز شد. - مترجم

۴. تاریخ گزیدهٔ حمدالله مستوفی؛
۵. عجائب المخلوقاتِ همو (با تذهیب‌های متعدد جالب)؛
۶. نزهة القلوب؛
۷. هفت اقلیم احمد رازی، نسخهٔ بسیار پاکیزه؛
۸. فرهنگ سروری، لغت‌نامه‌ای عالی و مفید برای فهم اشعار شاعران؛
۹. معجم الحکمه یا تلخیص دانشنامه‌ای معارف شرقی در قرن دهم هجری؛
- ۱۰ و ۱۱. دو مختصر در تاریخ بی‌ذکر نام مؤلف اما مفید از حیث سنوات تاریخی و ضبط اسامی خاص؛
۱۲. فرهنگ ترکی - فارسی نوائی معروف (چاپ این اثر مفید در اینجا آغاز شده بود اما، به سبب فقدان اعتبار مالی، رها شد؛ من یکی از نسخه‌های مورد استفاده در این چاپ را به دست آورده‌ام)؛
۱۳. صحیفة الصفا، مجموعهٔ ارزشمندی از احادیث اسلامی (به زبان عربی)؛
۱۴. تاریخ الفی. این تألیف بسیار گران‌بهای تاریخی، که گمان دارم در اروپا ناشناخته باشد، به تمام معنا دُرّی است که در میان جملگی این موادِ پُر زرق و برق و گوهرهای بدلی تصادفاً به آن رسیدم. مشغول تهیهٔ گزارش مختصری دربارهٔ مؤلف و ساختار این اثر هستم که امیدوارم برای خوانندگانِ مجلهٔ آسیائی خالی از فایده نباشد. این مجموعهٔ نزدیک به هزار صفحه‌ای به قطع رحلی بزرگ، که با خطّ به‌غایت فشرده اما خوانا و با هزینه‌ای هنگفت برای کتابخانهٔ خاصّ مرحوم محمد شاه استنساخ شده، در موقعیتی بس استثنائی، به دست من افتاد. مؤلف آن از شیوهٔ ابن اثیر در تألیف کامل پیروی کرده؛ مهم‌ترین حوادث، سوانح و بلائی بزرگ، تاریخ وفات مشاهیر، سال به سال، از سال اوّل تا سال ۹۲۰ هجری، در آن گزارش شده است. مطالب ارزشمندترین و کمیاب‌ترین آثار تاریخی عربی یا فارسی، که به زبانی بسیار ساده و دقیق و خالی از ابهام نگاشته شده، در این گردآوردهٔ هوشمندانه فشرده و متراکم شده است. اگر، آنچنان که من تصوّر می‌کنم، این اثر در هیچ‌یک از کتابخانه‌های اروپا موجود نباشد، از بابت زحمات و بخشش‌هایی که تحصیل آن ایجاب کرده مغبون نخواهم بود.